



### توصیه‌های استاد فاطمی‌نیا برای منبری‌ها/ برخی هیئت‌ها حرکات خارج از عرف دارند

فاطمی‌نیا از اساتید اخلاق می‌گوید: ببینید تعارف نداریم، کفگیر ما دارد یواش یواش به ته دیگ می‌رسد، در گذشته مجتهدان روی منبر می‌رفتند، اما امروز ... متأسفانه اخیراً در بعضی از هیئت‌ها حرکات خارج از عرف عزاداری انجام می‌گیرد.

فاطمی‌نیا از اساتید اخلاق می‌گوید: ببینید تعارف نداریم، کفگیر ما دارد یواش یواش به ته دیگ می‌رسد، در گذشته مجتهدان روی منبر می‌رفتند، اما امروز ... متأسفانه اخیراً در بعضی از هیئت‌ها حرکات خارج از عرف عزاداری انجام می‌گیرد.

خبرگزاری فارس - گروه آیین و اندیشه: در یکی از شب‌های پاییز خبرگزاری فارس مهمان استاد اخلاقی بود که همگان او را به عنوان یک خطیب توانا می‌شناسند، وی در تیریز دیده به جهان گشوده، از همان کودکی تحت تربیت دینی و علمی پدر خود قرار گرفت که پدرش از زمره عارفان الهی بوده است، وی نزدیک به 30 سال نزد مصطفوی تبریزی از عارفان و یکی از شاگردان میرزای قاضی تلمذ کرد و همزمان به دروس حوزوی اشتغال داشت، پس از رحلت استادش در حضور بزرگانی همچون حضرات آیات محمدتقی آملی، بهاءالدینی، بهجت، علامه طباطبایی و محمدحسن الهی طباطبایی (برادر کوچکتر علامه طباطبایی)، که بیشترشان شاگردان آیت‌الله سیدعلی قاضی بودند، کسب فیض کرد.

تخصص این استاد اخلاق در علم رجال و عرفان نظری و عملی کم‌نظیر است، شرح و تفسیر زیارت جامعه کبیره، کتاب سه جلدی «نکته‌ها از گفته‌ها» و فرهنگ انتظار از جمله تألیفات وی است. گاهی در سخنرانی‌های استاد سیدعبدالله فاطمی‌نیا می‌بینیم که گریزی کوتاه و لطیف می‌زند، اما زود از مطلب رد می‌شود.

جمله‌ای از زیارت اربعین که فصل الخطاب جلسات عزاداری حسینی است

\*استاد به عنوان نخستین سؤال بفرمایید در جلسات عزاداری حسینی در تکایا، هیئات، مساجد و حسینیه‌ها سخنران و مداح باید چه اصولی را رعایت کنند؟

ما شیعیان هنگامی که می‌خواهیم عزاداری کنیم، اول باید یک جمله از زیارت اربعین سیدالشهدا(ع) را به خاطر بیاوریم، ممکن است بگویند چرا زیارت اربعین! اربعین که بعد از عاشورا است، می‌گوییم که در زیارت اربعین هدف سیدالشهدا(ع) از این نهضت را به دست می‌آوریم، در آن قسمت از زیارت اربعین که زائر خطاب به خداوند می‌گوید: «وَبَدَّلَ مَهْجَتَهُ فَيَكَلِّبُ لِيَسْتَقْبَلَ عِيَادَكَ مِنَ الْجَهَائَةِ»؛ امام حسین(ع) جان خود را در راه تو داد؛ تا بندگان را از (گرداب) جهالت و نادانی و سرگردانی (در وادی) گمراهی برهاند، توجه کنید که نهضت سیدالشهدا(ع) یک نهضت علمی بوده است.

بنابراین بر همین اساس به جوانان عرض می‌کنم که هر کجا دانش و علم دیدید، بدانید نماینده امام حسین(ع) است و هر کجا جهل را در هر عرصه‌ای دیدید، بدانید نماینده یزید است، پس از این فراز زیارت اربعین پیداست که امام حسین(ع) برای اینکه مردم را از نادانی برهاند، خون خود را در راه خدا داد تا بندگان خدا را از نادانی برهاند.

چرا مجالس حسینی با شکوه برگزار می‌شود

بنابراین در ایام محرم در تکایا و هیئات که می‌توانیم به راحتی در این 10 روز مردم را جمع کنیم و جمعیت‌هایی را به وجود بیاوریم، در حالی که در شرایط عادی جمع کردن مردم در یک راهپیمایی با هماهنگی انجام می‌شود، برای عزاداری امام حسین(ع) چنین هماهنگی لازم نیست، این تنها مختص شیعه است و این به این دلیل است که سلطان عشق بر آن‌ها حکمرانی می‌کند، اکنون در روز عاشورا در تمام جهان دسته‌جات عزاداری که نمونه‌ای از تعظیم شعائر الهی است، راه می‌افتد و این فقط عنایت سلطان عشق است، زیرا در روایت آمده است: «إِنَّ لِقَتْلَ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا»، بی‌تردید در شهادت حسین، حرارتی در دل‌های مؤمنین است که هرگز سرد نمی‌شود.

حالا که چنین فرصتی در ایام پیش آمد، باید منبری در این دهه چه کار کند؟ چه بگویم من! خدمت شما عرض شود که خداوند إن شاء الله به آن‌ها توفیق دهد، همین منبری‌ها باید قصد قربت کنند که در سخنرانی‌های خودشان مطلبی را به مردم بگویند که در هدف اباعبدالله (ع) باشد تا معرفت و آگاهی مردم زیاد شود، مداح هم باید این کار را انجام دهد، زیرا کسب معرفت برای عزادار لازم است.

فلسفه گریه کردن بر ثارالله از زبان شاعر عرب

حالا یک عده آدم روشنفکر هستند که می‌گویند که برای چی گریه کنیم، فلسفه گریه برای امام حسین (ع) چی هست؟ خب جواب این سؤال آسان است، خدا رحمت کند «ابن اعثم کوفی» شاعر عرب را که خیلی مشهور است، در چند بیت به خوبی فلسفه گریه برای امام حسین (ع) را بیان می‌کند و می‌گوید:

«یابن النبی المصطفی

یابن الولی المرتضی

یابن البتون الزاکیه

تبکیک عینی لا

لاجل مثوبه

لکنها عینی لاجلک باکیه»

ای فرزند مصطفی/ای فرزند علی/ای فرزند نسل پاک

چشم من بر تو برای ثواب گریه نمی‌کند/ بلکه چشمم به خاطر تو گریه می‌کند

امام حسین (ع) آن قدر عظمت دارد که ظلم بر او یعنی ظلم بر بزرگی و انسانیت و این گریه دارد.

پس عزاداری باید باشد، خدا روح امام (ره) را شاد کند، امام (ره) واقعاً کلماتش عرشی بود که فرمودند: «محرم و صفر را زنده نگه دارید که ما هر چه داریم از محرم و صفر است»، بنابراین در ماه محرم هنگامی که در مجلس عزای امام حسین (ع) جمع می‌شوند و مطالب دینی و مذهبی را می‌گویند، منتها آن را ضایع نکنند، مثلاً در گذشته هیئت‌هایی در تهران مداح محور بود،

یک روزی که از خیابان گذر می‌کردم، روی پلاکاردی دیدم که اسم 10 مداح را نوشته- الحمدالله همه آن‌ها هم به مکه مشرف شدند و لقب حاجی را داشتند- در گوشه‌ای از آن به خط ریز اسم سخنران را نوشته بودند!

در گذشته مجتهدان روی منبر می‌رفتند اما امروز.../ توصیه آیت‌الله بهجت برای محتوای سخنرانی

آقا! ببینید تعارف نداریم، کفگیر ما دارد یواش یواش به ته دیگ می‌رسد، در گذشته مجتهدان روی منبر می‌روند، اما امروز ...

آیت‌الله بهجت رحمت الله علیه درباره محتوای سخنرانی در جلسات عزاداری اشاره داشتند که منبری‌ها از نهج‌البلاغه بگویند، بنده دیدم که ایشان درست می‌گویند، ولی اگر بخواهیم نهج‌البلاغه را برای مردم شرح بدهیم، شاید همه مردم متوجه نکات و ظرایف آن نشوند و باید بر اساس عقول مردم با آن‌ها سخن گفت، سخنرانان می‌توانند یک جمله از نهج‌البلاغه، مقداری از قرآن کریم یا فرازهایی از دعای عرفه را محور صحبت‌های خود قرار دهند، در کنار این موارد روضه‌ای هم باشد، یعنی صحبت خشک تنها نباشد.

سخن باید زیبا باشد نه خشک، تعارف که ندارد!

توجه داشته باشیم که اگر کلام به زیبایی بالا بیاید و گفته شود، چه مقدار می‌تواند جذاب باشد، پس اگر سخنران بخواهد حقایق عالم را سخت و عاری از هر گونه استعاره‌های ظاهری و معنوی مطرح کند، این نمی‌شود، نگاه کنید قرآن مجید تعبیر را به بهترین شکل و قالب بیان کرده است، اگر قرآن به این زیبایی نبود، آیا می‌توانست قلوب را تسخیر کند، با اینکه عرب‌ها اهل شعر و شاعری بودند و در این رابطه از تخصص بالایی هم برخوردار بودند و از شعر گفتن هم لذت می‌بردند، وقتی قرآن به میان آن‌ها آمد، شعر در سایه قرار گرفت و این نشان از ایجاز معنایی قرآن دارد، بنابراین باید به تبعیت از قرآن و نهج‌البلاغه با مردم سخن بگوییم و توجه داشته باشیم که سخنانمان زیبایی داشته باشد و خشک نباشد، تعارف که ندارد!

توصیه‌های استاد فاطمی‌نیا برای منبری‌ها/ غفلتی که درباره خوراک معنوی هیئات می‌شود

در یک جمع‌بندی برای اهل منبر عرض کنم که دعای عرفه- یک عمر مطلب از دعای عرفه بگویند باز تمام نمی‌شود- قرآن، نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه را ملاک قرار دهند.

این تجربه کسی است که 50 سال منبر رفته است، در ایام محرم شرح دعای عرفه 10 روز از رادیو معارف پخش شد، بعد از این مدت رادیو با من تماس گرفت که مردم خواستار پخش دوباره این برنامه شده‌اند، ما هم دوباره مطالعه کردیم و شرح دعای عرفه دو ماه تمام روی آنتن رفت، این را گفتم برای اینکه بگویم مردم ما چقدر تشنه معارف هستند، همان گونه که ثامن الحجج امام رضا(ع) می‌فرماید: «إِنَّ النَّاسَ لَوْ عِلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا»، اگر مردم زیبایی‌های سخنان ما را می‌شناختند، بی‌شک از ما پیروی می‌کردند، حال در برخی از مجالس آش، شله‌زرد، شربت و پلو می‌دهند کار درستی هم هست خدا هم قبول کند، اما می‌خواهم بگویم علاوه بر این‌ها باید به فکر معرفت و آگاهی مردم هم بود.

در بعضی از هیئات حرکات خارج از عرف عزاداری انجام می‌دهند

در مجلسی بود که جوانان زیادی که تعدادشان به چند هزار نفر می‌رسید، حضور داشتم من آنجا سخنران نبودم، ولی به صاحب مجلس گفتم که باید برای آن‌ها خوراک معنوی تهیه کنید، چرا که این‌ها محتوا می‌خواهند.

البته این را بگویم امان از دست برخی مداحان که مراعات نمی‌کنند! مداح نباید با فعل و حرکتش خدایی نکرده شأن اهل بیت(ع) را پایین بیاورد، بنده با این مخالف هستم، اینکه مداح می‌خواهند مردم گریه کنند، واقعاً خوب است، ولی اخیراً چند تا فیلم به من نشان دادند که در بعضی از هیئت‌ها حرکات خارج از عرف عزاداری انجام می‌دهند.

\* آیا این نوع حرکات در مراسم عزای ائمه معصومین(ع) اشکال شرعی ندارد؟

– اشکال شرعی یک بحثی است، چرا بعضی موارد ممکن است به عنوان اولیه حرام نباشد، ببینید اگر یک روحانی یک ساندویچ بلند در خیابان بخورد و راه برود، می‌گویند خلاف مروت است نه اینکه حرام باشد.

مراسم عزاداری امام حسین(ع) باید با عظمت اقامه شود

در اسلام به برخی رفتار و کردارها می‌گویند خلاف مروت است، می‌گویند مگس نجس نیست، ولی اگر در استکان چایی بیفتد، حال آدم را برهم می‌زند و کسی دیگر در آن استکان چایی نمی‌خورد، حالا اولاً احکام همیشه بر موضوعات بار می‌شود، اگر به فقیهی بگویم این مایعی را که هر کس بخورد، مست می‌شود، خب آن فقیه هم می‌گوید نجس است!

چرا؟! چون احکام بر موضوعات بار می‌شود، اگر الان از منظر موضوع شناسی رقص حساب شود، آقا! مورد تأمل است، اینکه واقعاً بالا و پایین می‌پزند از نظر شرعی رقص حساب می‌شود یا نه! خب! ممکن است بگویند یک شور است، آنچه در عرب هم مشاهده می‌شود، حکم فقهی را باید مرجع بگویند و ما در مقام استدلال نیستیم، با این وجود باز هم تأکید می‌کنم مراسم عزاداری امام حسین(ع) باید به صورت رسمی و با عظمت اقامه شود.

مداحان حداقل یکبار «نفس المهموم» حاج شیخ عباس قمی را بخوانند

\* در گذشته مداحان شاعر داشتند؟

-بله! بعضی از آن‌ها شاعر بودند و برخی هم از شعرا مدد می‌گرفتند، اکنون نیز حداقل باید این امر محقق شود، البته در ادامه بحث بگویم که برخی مداحان نباید چیزهایی را بگویند که در کربلا اتفاق نیفتاده است، این درست نیست، این عزیزان حداقل یک بار «نفس المهموم» حاج شیخ عباس قمی که به فارسی ترجمه شده است را مرور کنند و ببینید چه اتفاقی در حادثه عاشورا روی داده است.

امروز مقتل خوانی متأسفانه کم است/ واجب نیست مصیبت را مکشوف کنند

\*استاد فاطمی‌نیا به نظر شما مقتل خوانی در مجلس عزای امام حسین(ع) فراموش نشده است؟

-بله! اکنون مقتل خوانی نداریم، البته همان طور که گفتم نباید کل حادثه عاشورا بی‌پرده گفته شود تا مگر حالی در مجلس ایجاد شود، بنده قبلاً هم این موضوع را مطرح کرده بودم و در این زمینه دشمن هم پیدا کردم، چرا بعضی از مداحان مصیبت‌ها را خیلی بی‌پرده می‌خوانند، البته اگر در روز عاشورا یک دو جمله مقتضای شرایط و جمعیت گفته شود تا مردم گریه کنند، ایرادی ندارد، زیرا روز عاشورا استثناء است.

جواب این است که ببینید این چیزهایی که برای مردم گفته شده مانند شهادت طفل شیرخواره درست است، اگر اینها گفته نمی‌شد ما هیچ کدام دل به دریا می‌زدیم! اکنون با این آگاهی آمادیم که این طفل رضیع در دستان پدرش شهید شد، حالا واجب نیست این مصیبت را مکشوف کنید.

بله! مقتل خوانی که شما گفتید، متأسفانه کم است، باید یک نفر را موظف کنند، بنشیند، چند تا حدیث بخواند و توضیح دهد، به زبان هم مسلط باشد، زیرا مقتل خواندن کار آسانی نیست، میان مقاتل، مقتل «نفس المهموم» شیخ عباس قمی با جزئیات بیان شده است، را نمی‌توانم همه را به زبان بیاورم، اکنون در برخی نوحه‌خوانی‌ها مرسوم شده است که شأن ائمه را پایین می‌آورند و توهین می‌کنند، در اینکه ائمه اطهار مورد ظلم قرار گرفته‌اند، شکی نیست، شما در زیارتنامه‌های ائمه دقت کنید از حضرات با تعابیر زیبا یاد می‌شود، بله! می‌توان ظلم را در قالب دیگری مطرح کرد، توجه فرمودید!

شیوه آیت‌الله غروی اصفهانی برای ذکر مصیبت طفل شیرخواره

مرحوم آیت‌الله غروی اصفهانی-ایشان راضی نبودند که کمپانی گفته شود- وقتی می‌خواهند ذکر مصیبت طفل شیرخواره را بیان کند، به گونه‌ای مطرح می‌کند که سنگ گریه می‌کند، ولی واقعه را شرح نداده است، بلکه از زبان مادرش روضه را می‌خواند، به هر حال منظور بنده این نیست که ظلم‌ها را انکار کنیم، بلکه باید این ظلم‌ها و ستم‌ها در تعابیر دیگر بیان شود.

بله! مکتب سیدالشهدا(ع) مکتب معرفت، آگاهی و پیشرفت روحی است، من باید در این مکتب بفهمم که چه مواردی را باید یاد بگیرم، بنده به عنوان یک نفر گوینده که 50 سال تجربه منبر رفتن را دارم، عرض می‌کنم، محور سخنرانی در مجالس عزاداری باید قرآن، نهج‌البلاغه، دعای عرفه و زیارت اربعین باشد، شما از این بهتر کجا می‌توانید پیدا کنید!

باید دانشکده دارالتبلیغ تأسیس شود/هر کس از راه می‌رسد به منبر نرود

\* استاد به نظر شما حوزه علمیه نباید در تربیت سخنور و خطیب بیش از بیش فعال‌تر شود؟

– من به شما بگویم 20 سال پیش خدمت مقام معظم رهبری رسیده بودم، چند نفر از اهل علم هم حضور داشتند، یقین دارم آقا با این عزم راسخی که در این موضوع دارند، شاید موانعی برایشان به وجود آمده است، معظم‌له با ناراحتی فرمودند: آقا باید یک دانشگاه تبلیغ تأسیس شود که هر کس از راه برسد به منبر نرود، من که کسی نیستم- ایشان آقای فرمودند و در آن جمعیت به من فرمودند: در آن رابطه با شما ارتباط خواهم گرفت، من هم گفتم منتظر امر شما هستم، حالا خیلی از آن زمان گذشته است، من می‌دانم آقا از این فکر بیرون نیامده است، بلکه مانعی بوده که نشده است، خلاصه مطلب اینکه ایشان خیلی با ناراحتی فرمودند: هر کس از راه می‌رسد منبری می‌شود، بله! واقعیتی است و باید دانشکده دارالتبلیغ تأسیس شود.

نظر پدر استاد فاطمی‌نیا درباره دانش اهل منبر

یادم هست که پدرم می‌گفت: منبری باید در حد اجتهاد باشد، وی حرف بی‌ربطی هم نزده است، بی‌تعارف این مطلب را می‌گویم، عمر ما که دارد تمام می‌شود! ببینید قرآن به زبان عربی نازل شده «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا» و اهل بیت(ع) هم زبانشان عربی بوده است، منتها بعضی از این منبری‌ها زبان عربی‌شان هنوز کامل نشده است.

مثلاً یک منبری در یک مجلسی درباره یک لغت معنی متضادی کرد، در لغت عرب کلمه‌ای به نام «فرط» داریم که به معنی کاروان پیش رفته و جلو رفتن است، همان گونه که پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «فَاتَى فِرْطَ عَلَى الْحَوْضِ وَأَنْتُمْ وَارِدُونَ عَلَى الْحَوْضِ» من در رسیدن به حوض کوثر بر شما پیشی می‌گیرم و شما در آنجا بر من وارد می‌شوید یا در زیارت اهل قبور می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ أَنتُمْ لَنَا فِرْطٌ وَإِنَّا بِكُمْ إِنِّ شَاءَ اللَّهُ لَاحِقُونَ»؛ سلام بر مردان و زنان مؤمن و مسلمان ساکن این دیار شما از پیش رفتگان مایید و ما نیز به خواست خداوند به شما ملحق خواهیم شد.

سخنران نباید برای اینکه مردم را به گریه وا دارند، دست و پا بزنند/ گریه دست خداست

حال این سخنران این کلمه را افراط و ضد اعتدال معنی کرده بود! واقعاً بعضی‌ها در لغت لنگ هستند یا یک روز آقای در منبر که جمعیت زیادی نشسته بودند، آیه قرآن را غلط خواند و غلط معنا کرد و بعد پایین آمد، به او گفتم: چرا این طوری گفتی! گفت: درست می‌گویید اشتباه معنی کردم، خدا پدرش را بیامرزد که گفت راست می‌گویی!

باز تأکید می‌کنم مداح یا سخنران نباید برای اینکه مردم را به گریه وا دارند، دست و پا بزنند و از هر کجا مایه بگذارند، در حالی که گریه دست خداست! خلاصه عرایض این است که سخنرانان مطالب را کوتاه بگویند، اطاله نکنند تا مردم از جلسات سخنرانی زده شوند.

نام رقیه بنت الحسین در یکی از کتاب انساب قرن ششم آمده است

\*در رابطه با وجود دختر سه ساله امام حسین(ع) و صحبت‌هایی که از جانب شما مطرح شده برای ما کمی توضیح می‌دهید؟

-سخنانی را از جانب بنده در مورد طفل سه ساله اباعبدالله(ع) نقل کردند، که من منکر این طفل سه ساله بوده‌ام، خدا نمی‌گذرد، بنده روی منبر گفتم ما روی این دختر سه ساله امام حسین(ع) نام نمی‌گذاریم، اگر بگوییم نامش رقیه است، کسی که دو تا

کتاب مقتل خوانده باشد، می‌آید مچ ما را می‌گیرد که ما رقیه بنت الحسین نداریم، بنده گفتم که اسم این نازدانه را نمی‌دانیم، چی هست، شاید رقیه بوده است که مردم آن منطقه هم رقیه می‌گویند.

اتفاقاً یک مژده‌ای به شما بدهم، بعد از مدت‌ها در یک کتاب انساب قرن ششم هجری دیدم که اتفاقاً امام حسین(ع) رقیه هم داشته است، پس در اینکه امام حسین(ع) یک دختر بچه سه ساله دارد، شکی در آن نیست، البته من راه‌های دیگر برای اثبات این نازدانه دارم، ولی بر روی منبر گفتنی نیست، اینکه در زمان قدیم در آنجا کرامتی دیده شده است که یکی از بزرگان نقل کرده بود، قصد داشتم به سوریه سفر کنیم- خدا به حق حضرت زهرا(س) شرشان را به خودش برگرداند، نابودشان کند و آرامش در سوریه برقرار شود- تا این مرد شامی را پیدا کنم، چه بسا مرحوم شده باشد، ولی گفتند که اولادش هستند.

غرض از این صحبت‌ها اینکه که یک دختر سه ساله امام حسین(ع) در دمشق آنجا هست، حال سر اسم دعوا نکنید، حالا رقیه بوده یا نبوده، مهم نیست، اینکه آن ملعون آن رفتار را با این طفل سه ساله داشته که در اثر کثرت گریه و بی‌قراری در خرابه شام جان به جان آفرین تسلیم کرد، همه اینها درست است و در کتاب «کامل» بهایی هم آمده است.

هدف قیام سیدالشهدا(ع) به روایت عالم سنی/ دو هجرتی که تاریخ کل بشریت را عوض کرد

\*استاد به عنوان آخرین سؤال بفرمایید هدف امام حسین(ع) از قیامش و شهید شدن در راه خدا چه بود؟

- یک شیخ سنی در این باره کتابی نوشته که واقعاً عجیب است، نکته‌ای عرض می‌کنم که ما در علم ادب نکته‌ای به نام خلاصه نویسی داریم، خلاصه نویسی فنی است، اینکه یک سخنرانی در چند جمله سخنانش را جا بدهد بسیار هنر می‌خواهد، این شیخ مصری سنی که در فلسفه نهضت اباعبدالله(ع) کتابی تقریباً 600 صفحه‌ای نوشته است.

حالا یک نفر که 600 صفحه کتاب بنویسد و بگوید که این را خلاصه نویسی کن تا آنجا که می‌توانی خلاصه کن، چقدر می‌تواند خلاصه کند؟ اگر 600 صفحه 50 صفحه بشود، خیلی عالی است، ولی اگر خیلی هنرمند باشد، می‌تواند در 20 صفحه خلاصه کند، من خودم سال‌ها قبل می‌خواستم کتابی را خلاصه نویسی کنم، دیدم واقعاً خیلی سخت است؛ پوست آدم کنده می‌شود، حالا باورتان نمی‌شود بگویم این شیخ 600 صفحه را در سه سطر و نیم خلاصه نویسی کرده که خیلی تماشایی است.

یعنی جان کلام در نهضت فلسفه امام حسین(ع) را این عالم سنی این چنین بیان می‌کند: در دنیا دو هجرت بود که سرنوشت بشر را عوض کرد، «الهجرت اولی لمحمد(ص)»، هجرت اول پیغمبر اکرم(ص) بود، ما در نحو یک کان ناقصه داریم یک کان تامه، کان تامه به معنی وقوع است و این فرد، کان تامه را استفاده می‌کند، یعنی می‌گوید هدف هجرت پیامبر اکرم(ص) چه بوده است؟ هدف ساختمان اسلامی و بالا رفتن کاخ اسلام بوده است.

اما یک هجرت دیگر هم بود و آن هجرت دوم، هجرت امام حسین(ع) بود که «کانت المحافظت اسلام»، آن هجرت برای بنا بود و این برای مقاومت، امام حسین(ع) آمد که از ساخته جدش را محافظت کند، خود حضرت فرمود آمده‌ام تا دین جدم را تجدید کنم، پس اگر نهضت امام حسین(ع) نبود، یک لاله‌الاله باقی نمی‌ماند.